

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۸۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: عبدل گلپریان

۵ مرداد ۱۳۹۰، ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

در محکومیت سیاستهای سرکوبگرانه و تروریستی جمهوری اسلامی علیه مردم عراق

طبق اخبار منتشر شده، جمهوری اسلامی ایران در مجموعه اقدامات ضد انسانی، سرکوبگرانه و تروریستی در مرز ایران و عراق، خسارات جانی و مالی زیادی به مردم این مناطق وارد کرده است. این اقدامات از جانب هر انسان آزاده ای و از جانب همه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی باید شدیداً محکوم شود. جمهوری اسلامی حمله نظامی سنگین و گسترده ای در نوار مرزی کردستان ایران و عراق آغاز کرده است. این جنگ که مستقیماً "پژاک" را نشانه گرفته است، در عین حال اهداف سیاسی دیگری را هم تعقیب میکند و از جمله قدرت نمایی نظامی برای امتیازگیری از حاکمان کردستان عراق است. اولین قربانیان این جنگ نیز مردم ساکن مناطق مرزی هستند. تاکنون در اثر توپ باران منطقه تعداد قابل توجهی از مردم زخمی و تعداد زیادی آواره شده

صفحه ۶

ترس اصلاح طلبان از انقلاب واقعی است

وارد فاز جدیدی کرده است. این انقلابات نه تنها الگویی برای کشورهای مشابه مانند ایران، بلکه الگویی برای کشورهایی مانند اسپانیا و یونان و غیره هم شده است. اکنون استفاده از امکانات و اشکال مبارزه ای که مردم و بویژه جوانان از رسانه های اینترنتی و میدان التحریر مصر یاد گرفته اند، در حال تکثیر است. امکانات و

صفحه ۲



محمد آسنگران

تحولات و انقلابات کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه دنیا را

راهپیمایی و تجمع اعتراضی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در اربیل و میدان آزادی سلیمانیه

صفحه ۶



متن کامل کیفرخواست علیه سران جمهوری اسلامی به جرم نسل کشی و جنایت علیه بشریت

دولتهای جهان در روم معاهده روم را به تصویب رساندند. معاهده ای که دادگاه بین المللی جنایی لاهه را ایجاد و مسئول پیگرد سران دولتهایی قرار داد که مرتکب جنایت علیه بشریت، نسل کشی و جنایات جنگی شده و در کشور خود امکان محاکمه آنها نیست.

در سیزدهمین ساگرد تصویب معاهده روم و در سالگرد روز جهانی عدالت جزایی و در ادامه شکایت

صفحه ۴



بمناسبت ۱۷ جولای روز جهانی عدالت جزایی ۱۷ جولای روز جهانی عدالت جزایی است. ۱۳ سال پیش (۱۷ جولای ۱۹۹۸) در چنین روزی

نوبت محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت فرا رسیده است نامه سرکشاد فرهاد حسینی به دادگاه بین لمللی جنایی لاهه

جمهوری اسلامی قصد دارد ۶ نفر را در کردستان اعدام کند

بنا به اخباری که اخیراً منتشر شده است حکومت اسلامی قصد دارد ۶ نفر را در روزهای آینده در کردستان اعدام کند. اتهام این ۶ نفر عضویت در جریان سلفی و کشتن شیخ الاسلام نماینده رژیم در مجلس خبرگان است. اسامی این شش تن بهنام رحیمی، اصغر رحیمی، یاور رحیمی، مختار رحیمی، بهمن رحیمی و مردان ملکی اعلام شده است که سه نفر از آنها برادر و عضو یک خانواده هستند. جمهوری اسلامی تلاش می کند که با برپا داشتن بساط اعدام در شهرهای کردستان، فضای رعب و وحشت ایجاد کند. تهاجم نظامی در منطقه، کوییدن خانه و کاشانه مردم

صفحه ۵

اخراج سازی کارگران در پروژه بزرگراه سندج - دهگلان

صفحه ۳

جمع آوری آنتن های ماهواره در سندج

صفحه ۶

انفجاری بر قدرت در شهر سندج

صفحه ۶

انفجار مین در سردشت

صفحه ۶

مرگ یک زندانی سیاسی در زندان ارومیه

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ توس اصلاح طلبان از ...

انقلاب گسترش و تکثیر آن در دیگر کشورهای عربی است. اکنون با جرات میتوان گفت که انقلاب مردم سوریه یکی از پیامدهای این تأثیرات است. با این حال باید اضافه کرد که اگر انقلاب مصر تأثیرات جهانی مهمی داشت، انقلاب مردم در سوریه تعادل قوای منطقه را بطور کلی دستخوش تغییر میکند.

این تغییر تعادل قوای نیروهای سیاسی در منطقه، بیش از هر نیروی دیگری به ضرر جمهوری اسلامی است. پیروزی مردم در سوریه علیه حکومت بشار اسد از جایگاه بسیار مهمی در تضعیف اسلام سیاسی بطور کلی و جمهوری اسلامی بویژه برخوردار است. با رفتن بشار اسد و سرنگونی حکومت بعث سوریه جنبش اسلام سیاسی عملاً یک مدافع اصلی خود را از دست میدهد. جمهوری اسلامی و رژیم بعث با سرکردگی خانواده اسد دو بال حکومتی مدافع اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی بوده و هستند.

با این حال سوریه به عنوان تنها دولت متحد سیاسی جمهوری اسلامی رفتنش قطعی به نظر میرسد. اما نگرانی از این موضوع تنها سران جمهوری اسلامی را شامل نمیشود. اصلاح طلبان حکومتی همچنانکه خاتمی گفته است و بچه مسلمانهایی از نوع ابراهیم نبوی هم تکرار کرده اند که بشدت نگران انقلاب مردم علیه نظام هستند. آنها از شدت نگرانی دست به دامن خامنه ای شده اند. قبلاً برای نجات نظام اسلامی مدافع رفسنجانی در مقابل احمدی نژاد شده بودند، اکنون که خامنه ای و احمدی نژاد شاخ به شاخ شده اند اصلاح طلبان فرصت را غنیمت شمرده و تلاش میکنند خامنه ای آنها را در زیر عبای خود جا بدهد. ابراهیم نبوی نوشته است: "خامنه ای معتدلتربین روحانی برای رهبری جمهوری اسلامی است" ... "آنچه من نوشتم از او همه یک انقلاب است، و متأسفانه من کاری نمی توانم بکنم. من ناامیدم."

نگرانی و نا امیدي این طراز اصلاح طلب واقعی است. جنگ جناحهای جمهوری اسلامی همچنانکه قبلاً هم گفته و تأکید

کرده ایم نه با اراده آنها آغاز شده است و نه با نگرانی "خطر" اوضاع و نشان دادن وخامت کل نظام به همدیگر به پایان میرسد. مکانیسم حرکت جامعه کمی عمیقتر و پیچیده تر از محدوده فکری بچه مسلمانهایی مثل ابراهیم نبوی است.

مصاحبه زیر حدود یک سال قبل انجام گرفته و منتشر شده است. علیرغم اینکه آن زمان انقلابات منطقه هنوز اتفاق نیفتاده بود اما در مورد جنگ جناحها و نقش مردم و جنبشهای سیاسی در ایران تمام احکام و بنیادهای تحلیلی آن همچنان به قوت خود باقی است. انتشار مجدد این مصاحبه در رابطه با علت جنگ جناحهای جمهوری اسلامی و تشتت بیشتر حاکمان جمهوری اسلامی به اندازه کافی گویا است. مطالعه آنرا به علاقه مندان توصیه میکنیم.

گزارشگران: نظرخواهی از فعالین سیاسی اجتماعی درباره شرایط کنونی ایران

گزارشگران: یکسال از خروش حماسی مردم ایران علیه دیکتاتوری حاکم گذشت و پروسه عقب نشینی رهبران علنی آن را همگان شاهدیم. رفسنجانی و خاتمی در سکوت (کی بود کی بود ما نبودیم) بسر میبردند و موسوی و کروبی از هراس خروش بنیان برانداز دوباره مردم کشورمان گام بگام در حال عقب نشینی هستند و مردم را به کرنش در برابر حکومت دار و درفش اسلامی دعوت میکنند. آیا این نظریه را صحیح میپندارید؟

محمد آسنگران: من این

ارزیابی شما را درست نمیدانم زیرا اصلاح طلبان حکومتی از موضعی که داشتند تندتر هم شده اند. البته تعدادی دیگر از جریانات سیاسی همین ارزیابی شما را دارند. بر عکس این ارزیابی اصلاح طلبان حکومتی اکنون سیاستهایی را بیان میکنند که تازه دارد سر قرقره افشای جنایت رژیم اسلامی در دهه ۶۰ را باز میکنند. نوشته مصطفی تاج زاده و بیانیه ۱۸ موسوی حتی از گفته های قبلی آنها "رادیکالتر" به نظر میرسد. اختلافات جناح های

جمهوری اسلامی از اختلاف اصلاح طلبان و غیر اصلاح طلبان فراتر رفته و در خانه حاکمان و در جناح خامنه ای و سپاه پاسداران هم اختلاف بین دولت و مجلس جدی تر شده است. این يك فائده کلی و عمومی است وقتی که جامعه انقلابی میشود جناحهای مختلف نظام حاکم به جان همدیگر میفتانند. پیشینیان این موقعیت را با يك ضرب المثلی گویا توصیف کرده اند. که مصداق حال جمهوری اسلامی است. "در سربالایی اسبها همدیگر را گاز میگیرند". در این جدال جناح حاکم با سرکوب و جناح ناراضی با ریاکاری سعی میکنند مسیر جامعه را منحرف و در جهت منافع خود پیش ببرند.

علاوه بر این مهاجرانی برای اولین بار با زبان صریحتری از خامنه ای انتقاد کرده و حتی افشاگری کرده است. جنتی به احمدی نژاد میگوید پا را از گلیم خود درازتر نکن و... بنابراین میبینیم که گفته ها و نوشته های آنها علیه همدیگر تند تر هم شده است. تعمیق و گسترش این کشمکشها خاصیت دوران انقلابی است. اراده جناحهای رژیم برای سازش با همدیگر در مقابل فشار جنبشهای انقلابی از پایین روز به روز کمتر میشود. کسی که این معادله و یا بخشی از آنرا نبینند با هر تحول سیاسی و موضعگیری این یا آن مقام و جناح ممکن است تحلیلش تغییر بکند.

احتمالاً آنچه شما را به این ارزیابی رسانده است لحن رفسنجانی نسبت به خامنه ای و لحن موسوی و کروبی نسبت به احمدی نژاد در فاصله معینی بود. به نظر من هیچکدام از آنها تغییر جدی در مواضعشان را نشان نمیدهد. آن تغییر لحن ناشی از تعرض بی مهابای مردم در عاشورا بود. تمام مقدمات هر دو جناح در این روز زیر پای مردم له شد. با این حال جنگ جناحهای رژیم اسلامی به دلیل منافی میلیاردي پشت آن قابل حل و رفو بردار نیست. اینرا موسوی در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود با صراحت میگوید. خامنه ای و سپاه پاسداران قبلاً همین را تأکید کرده بودند.

سپاه پاسداران تصمیم قطعی گرفته است که قدرت سلاح را در دفاع از قدرت اقتصادی و اقتدار

سیاسی اش به کار گیرد و حتی به پسر عموهای خودش هم رحم نکند. لازم به تأکید است که همه جناحهای رژیم اسلامی قوانین جمهوری اسلامی را قانون خود و مخصوصاً خمینی بزرگترین قاتل آخر قرن بیست و رهبر خود میدانند. تنها ایراد قانونی اصلاح طلبان به قوانین تاکنونی نظارت استصوابی است.

همه آنها در کشتار مردم و نسل کشی دهه ۶۰ شمسی شریک بوده اند و به همین دلیل آن را مسکوت گذاشته و یا با شدت و ضعف متفاوت از آن دفاع میکنند. همه آنها مدافع مجازات اعدام و سنگسار هستند. زیرا مدافع قوانین اسلامی و مخالف برابری زن و مرد هستند. همه آنها طرفدار قوانین صیغه و اجرای شریعت و قوانین قصاص اسلامی هستند. دعوای آنها بر سر چگونگی حفظ نظام است نه له و یا علیه نظام. زیرا فقط با حفظ نظامشان میتوانند منافع میلیاردي را عاید خود کنند و دعوا همینجا است. و این دعوا راه سازش را قبلاً تجربه کرده و به جایی نرسیده است.

گزارشگران: از شواهد پیداست که معاملات پنهان در پشت پرده میان رهبران اولیه و حکومتیان موجود بشمر رسیده است. آیا شما هم چنین میانیدشید؟

محمد آسنگران: به نظر من

هیچ معامله ای به نتیجه نرسیده و نمیرسد. این ارزیابی غیر واقعی است. اجازه بدهید دلایل این حکم را عرض کنم: به نظر من دعوای جناحها جنگ زرگری و یا مسایلی جزئی نیستند. قبلاً گفتم منافی میلیاردي و سیاست چگونگی حفظ نظام، در مقابل "خطر" تعرض مردم، آنها را به جان هم انداخته است و جناح حاکم حاضر به کوتاه آمدن نیست. موسوی هم واقعا برای نجات جمهوری اسلامی به میدان آمد. او برای "جمهوری اسلامی نه يك کلمه کم و نه يك کلمه زیاد" تلاش کرده و میکند. من این گفته های موسوی را واقعی و صادقانه ارزیابی میکنم. تفسیر ساده لوحانه دنباله های خارج کشوری آنها را نباید جدی گرفت. زیرا همینها بودند که سال ۵۷ عکس خمینی را در ماه دیدند و به مردم نشان دادند. همینها بودند

که گفتند زن خمینی بیانو میزند و خمینی هم نمیخواهد حکومت کند و میروند قم کار حوزوی را ادامه میدهند!! و بلاخره همینها بودند که مدافع تجهیز سپاه پاسداران به سلاح سنگین شدند و...

تکرار این اراجیف در مورد این یا آن جناح رژیم هم ساده لوحی و هم مرد رندی جریاناتی را نشان میدهد که نه به خود احترام میگذارند و نه مردم و حقوق شهروندان برایشان جایگاه جدی دارد. آنها مردم را عقب مانده و مذهبی و نادان معرفی میکنند تا نادانی و حماقت سیاسی خودشان را پنهان کنند. اینها همیشه در خلوت خود فکر کرده اند پلیتیک میزنند و با این سیاستها "واقعیینی" خود را به رخ همدیگر میکشند. وضع و حال توده ای اکثریتها و جمهورخواهان لائیک و غیر لائیک و کل نیروهای ملی اسلامی را نگاه کنید تا این نمونه ها را بهتر بشناسید. اما حوادث تاریخی این مدت بارها ثابت کرده است که آنها از جامعه عقب تر هستند. بارها ثابت شده است که آنها دنباله های بی جیره و موجب بوده اند و حتی قربانی سیاستهای خود شده اند.

جناح حاکم هم میدانند کوتاه آمدن همان و متلاشی شدن همان. به همین دلیل تنها راه اداره و کنترل جامعه را سرکوب خشن میدانند. اما راه سرکوب هم جوابگو نبوده و نیست. زیرا فضای سیاسی جامعه در اعماق و در ابعادی میلیونی متحول شده است. اصلاح طلبان اینرا دیده و متوجه شده اند که سیاست سرکوب جوابگو نیست. بطور واقعی هر دو جناح هر کدام گوشه هایی از واقعیت را دیده و متوجه "خطر" شده اند. با یا بدون سیاست اصلاح رژیم و یا سیاست سرکوب، این نظام به پایان عمر خود رسیده است. جنگ جناحها ناشی از فشار جامعه و بن بست راه حلهای آنها است. جمهوری اسلامی تنها يك راه در پیش دارد. سرنگونی. رژیم رفتنی است نه به این دلیل که ما میخواهیم و یا اپوزیسیون دوست دارد. بلکه به این دلیل ساده که نسل جوان توقعات دیگری از زندگی دارد که با این رژیم و ایدئولوژی اسلامی جور در نمی آید. مشکل جمهوری اسلامی مشکل این نسل است.

از صفحه ۲ ترس اصلاح طلبان از ...

بنابر این سازش و اقدامات پشت پرده راه حلی نیست که بتواند به نتیجه برسد. به همین دلیل جدال جناحهای رژیم نه رو به اتمام که رو به گسترش و تعمیق است.

گزارشگران: جنبش اخیر اما در کالبد رهبرانی مانند کروی و موسوی خلاصه نشد و اتکاء بر رادیکالیسم خودجوش و شعار مرگ بر دیکتاتور سمبل توده‌هایی بود که خود رهبری را مشخصه حضور خود در مناسبتها و تظاهرات پی در پی قرار داده بود. اشکال بروز علنی عبور از رهبری پس مانده را در حوادث اخیر سالروز برآمد جنبش مردمی و در آینده چگونه ارزیابی میکنید؟

محمد آسنگران: جنگ و جدال و کشمکش در دو جبهه ادامه خواهد داشت. از یک طرف جدال جناح‌های حکومتی با هم که اکنون بیشتر از دو جناح شده‌اند و جدال و کشمکش مردم با کل جمهوری اسلامی. اما ناگفته نماند که بخشهایی از مردم هنوز از جناح اصلاح طلبان حکومتی استفاده ابزاری خود را میکنند. در عین حال اصلاح طلبان حکومتی هم استفاده ابزاری از اعتراضات مردم میکنند. آنها میکوشند اعتراضات مردم را در محدوده جدال جناح‌های رژیم محصور کنند. پر واضح است که بازی قدرت آشکار و پنهان در جریان است. طرفهای درگیر به دنبال اهدافی هستند که فراتر از آن چیزی است که امروز در ظاهر قابل مشاهده است. عبور از رهبری پس مانده" به قول شما از روز عاشورا ۶ دی ماه ۱۳۸۸ به شکلی توده‌ای آغاز شد. اکنون هم اگر نگاه کنید میبینید که در تجمعات و اعتراضات مردم تقریباً رنگ سبز و شعار به نفع موسوی کنار گذاشته شده است. در خارج کشور همان سبزه‌های مدافع موسوی هم مدافع شعار سرنگونی جمهوری اسلامی شده‌اند و یا حداقل نمیتوانند مانع آن بشوند. فضای رادیکال اعتراضات مردم حتی به موسوی دیکته کرده است که بنویسد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ مردم "بین بد و بدتر" انتخاب

میکردند و همین موسوی باز هم ناچار شده است از شعار آزادی و برابری دم بزند و تاجزاده سر قره نقد به گذشته جمهوری اسلامی از جانب خودیهای رژیم را باز کرده است. همه اینها اتفاق نمیافتاد اگر جنبش انقلابی مردم پر زور نبود.

در سالگرد ۲۲ خرداد هم دیدیم که موسوی و کروی اعلام کردند: چون دولت به آنها مجوز راهپیمایی نداده است، پس راهپیمایی و به خیابان آمدن را لغو میکنند. اما مردم در ابعادی قابل توجه به میدان آمدند و طبق اخبار رسیده فقط آمار دستگیرها در تهران حدود هزار نفر اعلام شده است. اما اگر این نمونه‌ها هم نبود من با شناخت و تحلیلی که از مکانیسمهای رشد مبارزه توده‌ای دارم نمیپذیرفتم که موسوی و کروی رهبر مردم بوده‌اند، تا حالا از آن عبور کنند. آنها همیشه برای مردم بهانه بوده‌اند نه رهبر. همچنانکه مردم همان هفته‌های اول گفتند که "موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است". اینها نقش احمد بنی احمدها و پزشکپوره‌های مجلس دوران شاه را بازی میکنند نه خمینی دوران انقلاب. در بدبینانه‌ترین حالت اینها میتوانند نقش اذهار و شریف امامی را بازی کنند. برد و باخت‌شان در همان محدوده قابل ارزیابی است نه مقایسه آنها با خمینی. اینها رهبر مردم نبوده و نیستند. اینها نهایت موفقیتشان برقراری حکومت‌های مستعجلی است که ترانزیت و مسیر عبور جامعه از سیستم و نظام کهنه به سیستم و نظام آینده است. زیرا در هر شرایطی حکومت آینده ایران نمیتواند حکومتی مذهبی از هر نوع باشد. نه نوع شریعتی و اصلاح طلبان حکومتی و نه نوع خمینی و مجاهدین خلق شانس در حکومت آینده خواهند داشت.

اگر نگاهی عمومی و کلی به تاریخ ایران داشته باشیم با رشد مناسبات سرمایه داری ناسیونالیسم در مقابل اسلامیم عروج میکند. دولت متمرکز ضروری میشود و نقش اسلام در حکومت کم رنگ میشود. با این تحولات است که داستانهایی از نوع کشف حجاب رضاخانی و انقلاب سفید و رای زنان دهه چهل و غیره جلو می‌آیند. با

سرنگونی حکومت سلطنتی حکومت شیعه اثنا عشری حاکم میشود و قوانین شریعه و اسلام سیاسی به قدرت میرسند و به جای ناسیونالیسم این بار اسلامیم حکم‌ران میشود. زیرا گفتمان حاکم قبل از انقلاب ۵۷ در میان نیروهای مذهبی و غیر مذهبی و حتی بخش اعظم چپ و روشنفکران و تحصیلکردگان هم این بود که جریان‌ات اسلامی جریان‌اتی مبارزه‌ستند و "اسلام‌رهایی بخش" جریان معتبر شناخته میشود.

حال با شکست جمهوری اسلامی شك نداشته باشید که حکومتی اسلامی و مذهبی از هر نوع آن کمترین شانس را دارد. زیرا تاریخ ۳۰ سال گذشته پر از جنایت، کشتار، بیعدالتی، تجاوز، خونریزی و بی رحمی و نابرابری و نا امنی مشخصات حکومت اسلامی بوده است. برعکس گذشته اکنون سکولاریسم و جدایی دین از دولت گفتمان حاکم است. این خواست آنچنان وسیع است که حتی بخشی از آخوندها را هم شامل میشود.

اما موضوع قابل تامل در این شرایط زمانی این است که جامعه و نیروهای سیاسی مسئول، این بار هشیارانه عمل کنند و اجازه ندهند قدرت سیاسی میان ناسیونالیسم و اسلامیم دوباره دست به دست شود. زیرا هر کدام از آنها که در قدرت بوده‌اند مردم بجز فقر و استبداد و ناامنی و شکنجه و تجاوز چیزی عایدشان نشده است.

این تجربه و تاریخ این جامعه است اثبات آن غور تفحص زیادی نمیخواهد. بنابر این جانشین جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی میتواند حکومتی انسان‌گرا و سوسیالیسمی مدرن با فرهنگی پیشرو غربی باشد نه تکرار دوباره حاکمیت ناسیونالیسم. زیرا با عروج دوباره ناسیونالیسم ما یک بار دیگر شاهد تفرقه و چند دسته گی در میان مردم ساکن ایران خواهیم بود و این به نفع جامعه نخواهد بود. اما اگر حکومت و حقوق بر اساس حقوق شهروندی و سکولاریسم و آزادی و برابری و رفاه عمومی تدوین و حاکم شود آن وقت همه آحاد جامعه خود را صاحب حق و صاحب خانه میدانند و اتحاد محکمی میتوانند در میان مردم منتسب به اقوام و مذاهب مختلف هم شکل بگیرد.

گزارشگران: با توجه به

اعتراضات وسیع ایرانیان خارج کشور و گذر آنان از تمایلات رهبری اصلاح طلبان تلاشهای بسیاری انجام میگردد تا صف سبزه‌ها را از ساختارشکنان جدا کنند. نمود بسیاری را از جمله گفتارها و مصاحبه‌های آنان در خارج و داخل کشور دیده و شنیده‌ایم. از جمله آنان اظهارات ابراهیم نبوی و اشکوری بوده است. اولی ساختارشکنان را عوضی نامید و دومی در مصاحبه اش گفت: کسانی که خواهان براندازی هستند خارج از جنبش سبز میباشند. چاره چیست؟ چگونه میتوان این تبلیغات گسترده مماشات طلبان را افشا و خنثی کرد؟

محمد آسنگران: این جدالی است که مردم با کلیت جمهوری اسلامی دارند و قبلاً به آن اشاره کردم. این سبلی که راه افتاده است با بی ادبی و بی فرهنگی نوچه‌هایی عوضی‌ای مانند نبوی و آخوند دغل کاری مثل اشکوری، مهار شدنی نیست. عمر اینها به اندازه عمر جمهوری اسلامی است. با رفتن جمهوری اسلامی من شکی ندارم که همه اینها میروند. عمر سیاسی اینها به اندازه عمر جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام سیاسی در ایران است.

گزارشگران: شعار مرگ بر دیکتاتور و سرنگونی جمهوری اسلامی را چگونه تحلیل میکنید؟

محمد آسنگران: اینها شعارهایی است که بر سرلوحه

مبارزات و اعتراضات مردم حک شده است و بدون سرنگونی جمهوری اسلامی انتظار يك ذره بهبود در زندگی مردم توهمی بیش نیست. مرگ بر دیکتاتور نشان میدهد که مردم جمهوری اسلامی را دیکتاتور میدانند و به جای آن میخواهند آزادی بیابورند نه دیکتاتور دیگری از نوع شاه و خمینی یا همان دوران طلایی موسوی. در عین حال شعار مرگ بر ولایت فقیه و مرگ بر خامنه‌ای هم مترادف است با مرگ بر شاه همان معنی را دارد. اینها معانی مشخصی در سیر تحولات سیاسی ایران داشته و دارند. معنی آنها این است که رژیم سلطنتی و اسلامی نمیخواهیم.

گزارشگران: نکته ای برای افزودن دارید؟

محمد آسنگران: اتحاد مردم حول خواسته‌های مانند آزادی، برابری، رفاه و حرمت و منزلت انسان ممکن است. مذهب و ناسیونالیسم منشأ تفرقه و جنگ‌های خانمانسوز بوده و هستند. تجربه تاکنونی کشورهای اطراف ایران را نگاه کنیم و درس بیاموزیم. ببینید مذهب و ناسیونالیسم و قومگرایی چه بلایی بر سر این جوامع آورده است.

گزارشگران: با تشکر از شما محمد آسنگران: من هم از شما متشکرم که این امکان را فراهم کردید.

گزارشگران

۲۰۱۰۰۶۰۱۵

اخراج سازی کارگران در پروژه بزرگراه سنندج - دهگلان

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال موج اخراج سازیها در پروژه بزرگراه سنندج - دهگلان، دیروز ۲۹ تیر ماه ۱۳۹۰ چهار کارگر این پروژه که دارای سابقه طولانی بودند به دلیل عدم امضای قرارداد سفید امضا و ندادن سفته ۶ میلیون تومانی برای ادامه کار در این پروژه، از کار خود اخراج شدند. این کارگران بصورت قراردادی سالها زیر نظر اداره راه مشغول بکار بودند اما پس از واگذاری "شرکت توسعه راه سازی" به بخش خصوصی کارگران پروژه بزرگراه سنندج - دهگلان با مشکلات عدیده ای از جمله اجبار به امضا قرارداد سفید امضا و سپردن سفته‌های میلیونی برای ادامه کار مواجه شده‌اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۳۰ تیر ماه ۱۳۹۰
www.etehadyh.com

متن کامل کیفرخواست علیه سران ...

از صفحه ۱

کمیته بین المللی علیه اعدام در تاریخ ۲۸ آگوست ۲۰۰۸ با شماره پرونده -CR-OTP/۰۹۷۷۷ و به نمایندگی از کمیته بین المللی علیه اعدام و صدا تن از قربانیان و شاکیان جنایتهای جمهوری اسلامی خواهان رسیدگی سریعتر دادستانی و مقامات قضایی دادگاه بین المللی جانی لاهه به پرونده کیفری سران جمهوری اسلامی در دادگاه بین المللی جنایی لاهه میباشد. در زیر توجه قضات این دادگاه را به متن کیفرخواست علیه سران جمهوری اسلامی جلب میکنم:

جمهوری اسلامی یکی از جنایتکارترین رژیم های سیاسی دنیاست. آنچه ویژگی منحصر به فرد جمهوری اسلامی در ارتکاب جنایت علیه بشریت و نسل کشی را تشکیل میدهد، مستمر بودن و سیستماتیک بودن این جنایات در طی سه دهه میباشد. جمهوری اسلامی قاتل سه نسل از مخالفینش میباشد. جمهوری اسلامی تنها رژیم سیاسی دنیاست که پرونده جنایتش به یک دوره کوتاه معین ختم نمیشود.

جنایت در جمهوری اسلامی از نخستین روزهای به قدرت رسیدن آنها در سال ۵۷ آغاز و تا به امروز بطور متوالی نقشه مند و سازمان یافته اجرا میشود. از معدود رژیمهای سیاسی دنیاست که دامنه جنایتهاش از مرزهای جغرافیایی خود فراتر رفته و در کشورهای متعددی جنایت انجام داده است.

معدود رژیمهای سیاسی دنیاست که قربانیانش را تنها شهروندان کشوری که حاکمیت دارد در بر نمیگیرد و شهروندان سایر کشورها نیز، طعمه آتش جنایت جمهوری اسلامی شده اند. جمهوری اسلامی یک تهدید و خطر جدی نه تنها برای مردم ایران که برای کل بشریت در سراسر دنیاست. جمهوری اسلامی با ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای اساسی و پایه ای مردم منافات ندارد. سران این نظامی که سه دهه وسیعترین جنایت علیه بشریت را مرتکب شده اند باید هر چه زودتر در دادگاههای بین المللی به محاکمه فراخوانده شوند.

سران جمهوری اسلامی به دلایل زیر بر اساس ماده های ۶ و ۷

کشتار مردم گنبد و ترکمن صحرا (اسفند ۵۸)

در اسفند سال ۵۸ جمهوری اسلامی در یک یورش خونین به مردم گنبد و ترکمن صحرا بنا به منابع دولتی ۹۴ نفر را در یک روز تیرباران کردند.

کشتار دانشجویان تحت عنوان انقلاب فرهنگی (اردیبهشت ۵۹)

در اواخر فروردین ۵۹ خمینی فرمان یورش به دانشگاهها و سرکوب کلیه نیروهای سیاسی مخالف را میدهد که با اجرای این طرح: یورش نظامی و سرکوبگرانه به کلیه دانشگاهها در سراسر کشور انجام گرفته که در اثر آن طبق آمارهای دولتی ۳۸ نفر کشته و بیش از ۱۵۰۰ نفر زخمی شده اند.

صدها نفر دستگیر و مورد شکنجه و تعدادی نیز اعدام میشوند.

کل دانشگاههای کشور را به مدت ۲ سال بسته و از تحصیل مردم جلوگیری کردند.

تعداد زیادی از اساتید و کارمندان و دانشجویان را برای همیشه از دانشگاه اخراج کردند.

کشتار سالیهای ۶۰ تا ۶۷ از روز ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰

جمهوری اسلامی یک تعرض نظامی امنیتی پلیسی خشونت آمیزی را به قصد نابود سازی کلیه گروهها و فعالین و اعضا و هواداران گروههای سیاسی مخالف دولت آغاز کرد که در طول این مدت هزاران نفر کشته و دهها هزار نفر دستگیر و تحت شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفتند.

کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷

در ماههای مرداد و شهریور ۶۷ جمهوری اسلامی طی یک برنامه سازمان دهی شده دست به کشتار وسیع زندانیان سیاسی در سراسر زندانهای کشور زد. تعداد قربانیان اعدامی های این جنایت تا ۱۲۰۰۰ نفر اعلام شده است اما لیست و نامهای مشخص حداقل ۵۰۰۰ نفر توسط سازمانهای مختلف اعلام شده است.

کشتار اعتراضات ۱۳۷۱

به دنبال افزایش تورم اقتصادی به بالای ۵۰ درصد در شهرهای مختلف ایران علیه سیاستهای اقتصادی دولت تظاهراتی صورت گرفت که جمهوری اسلامی این اعتراضات و تظاهراتها را با

خشونت و کشتار مردم سرکوب کرد. این تظاهراتها در شهرهای مشهد، اراک، مبارکه، چهاردانگه تهران و... بود. طبق آمارهای دولتی تنها در شهر مشهد دست کم ۶ نفر کشته شدند.

حمله به دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۸

به دنبال تظاهرات دانشجویان در اعتراض به توقیف یک روزنامه در ایران، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به داخل کوی دانشگاه و خوابگاههای دانشجویی حمله برده و ضمن تخریب اموال دانشجویان آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و صدها نفر را بازداشت کردند. حمله و ضرب و شتم دانشجویان تا صبح ادامه داشت. این حمله به اعتراضات گسترده و چند روزه دانشجویان و مردم در تهران و شهرستانها انجامید. در دانشگاه تبریز نیز روز شنبه ۱۹ تیر درگیریهایی گسترده ای روی داده که به کشته شدن چندین نفر انجامید.

کشتار مردم معترض آبادن در تیر ماه ۱۳۷۹

در روز چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۹ مردم آبادان در اعتراض به وضعیت بد آب آشامیدنی دست به اعتراض زدند. مقامات دولتی با بسیج نیروها و سایر شهرها در همان روز فضای شهر را نظامی کرده و دست به کشتار وسیع مردم زدند. در جریان این سرکوب دهها نفر از مردم بیگناه آبادن کشته صدها تن مجروح و صدها تن دستگیر و راهی شکنجه گاهها شدند.

قتلهای سیاسی زنجیره ای (سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶)

قتل های سیاسی که با قصد از بین بردن مخالفین توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی انجام گرفت. در اثر این قتلها تعداد ۱۴۰ نفر کشته شدند.

کشتار مخالفین و معترضین بعد از انتخابات ۱۳۸۸

در طی تنها یک سال از خرداد ۸۸ تا خرداد ۸۹ جمهوری اسلامی اعتراض مردم را به وحشیانه ترین شکلی سرکوب کرده و میکند. بر اساس گزارشات منتشر یافته طی این یک سال بیش از ۱۰۰ نفر در خیابانها به ضرب گلوله یا زیر شکنجه به قتل رسیده اند. ۱۸۰۰۰ دستگیر شده اند و نزدیک به ۴۰۰۰۰ نفره نقض حقوق بشر ثبت

شده است. در طول این مدت هزاران نفر مجبور به ترک کشور و پناهندگی در کشورهای دیگر شده اند.

۲- جنایت علیه بشریت (ماده ۷ اساسنامه روم)

جمهوری اسلامی همچنین در طول حاکمیت سه دهه خود مرتکب اعمالی شده است که عین مصداق جنایت علیه بشریت میباشد.

در زیر به بخشی از مصداق جرم جمهوری اسلامی در این زمینه میپردازیم:

جمهوری اسلامی در طول سه دهه از حاکمیت خود بطور سیستماتیک و سازمان یافته مرتکب اعمالی از جمله قتل، حبس و محرومیتها و آزارهای فیزیکی و جسمی، شکنجه، تجاوز، بردگی جنسی شده است.

دستگیری شکنجه و اعدام کلیه گروههای سیاسی مخالف نظام و تلاش برای انهدام کامل این گروهها و کلیه منابع و امکانات مالی و ملکی آنها.

دستگیری، شکنجه، آزار و اعدام مخالفان دینی حاکمیت، لائیکها و اقلیت های مذهبی و تحمیل تبعیض آشکار علیه آنها

دستگیری، شکنجه، آزار و اعدام همجنس گرایان

دستگیری شکنجه و اعدام کلیه مخالفین سیاسی دستگیری شکنجه و اعدام

تروریسم دولتی شامل انجام فعالیتهای تروریستی علیه مخالفین سیاسی در خارج مرزهای ایران

تورهای سیاسی ایرانیان در خارج

بر اساس گزارشات خبری انتشار یافته، جمهوری اسلامی تعداد ۴۰۰ نفر مخالفین سیاسی ایرانی را در خاورمیانه، اروپا و آمریکا ترور کرده است. این ترورها در کشورهای عراق، ترکیه، پاکستان، فرانسه، آلمان، اتریش، سوئد، انگلستان، امارت متحده عربی، آمریکا، فیلیپین، سوئیس، هندوستان، ایتالیا، دانمارک، روسیه و قبرس انجام گرفته است.

تورهای سیاسی غیر ایرانیان

صدور حکم ترور برای نویسنده بریتانیایی سلمان رشدی سازماندهی و دخالت مستقیم و

متن کامل کیفرخواست علیه سران ...

از صفحه ۴

غیر مستقیم در فعالیت‌های تروریستی در عراق، لبنان، اسرائیل و آرژانتین و شکنجه تأیید به چند عملیات تروریستی اشاره میکند که ظرف سی سال گذشته تحت حمایت سپاه پاسداران انقلاب انجام شده اند و از جمله بمب گذاری در سفارت آمریکا در بیروت در سال ۱۹۸۳، بمب گذاری در مرکز یهودیان در آرژانتین در سال ۱۹۹۴، بمب گذاری برجهای خبار ۱۹۹۶ در عربستان سعودی.

در همین زمینه جمهوری اسلامی به دلیل فعالیت‌های تروریستی در کشورهای آلمان، فرانسه، آرژانتین توسط دادگاههای این کشورها محاکمه و محکوم شده و جرم تروریستی آنها در این دادگاهها محرز شده است.

اعمال تجاوز بعنوان یکی از ابزارهای شکنجه علیه مخالفین حکومت

اجرای حکم وحشیانه و قرون وسطایی سنگسار در ایران اعدام کودکان زیر ۱۸ سال استفاده از کودکان در جنگ که بنا بر آمارهای دولتی منجر به قتل ۹۶۰۰۰ کودک زیر ۱۸ سال شده است.

تبعید مستقیم و غیر مستقیم کلیه مخالفین سیاسی فکری عقیدتی این نظام. از طریق وادار کردن میلیونها نفر به فرار از کشور.

بردگی جنسی

تحویل قوانین تبعیض آمیز علیه زنان که در اثر آن میلیونها زن

افغانی تبار. محدودیت در ازدواج، اشتغال آزادانه و خدمات تحصیل رایگان برای میلیونها پناهنده و مهاجر افغانی و عراقی و غیره. اخراج اجباری و خشونت آمیز میلیونها پناهنده و مهاجر افغانی تبار از ایران ممنوعیت ایجاد تشکل های سیاسی مخالف نظام ممنوعیت ایجاد تشکل ها و اتحادیه های صنفی کارگری و کارمندی ممنوعیت حق اعتصاب، تجمعات اعتراضی صنفی یا سیاسی. سرکوب خشونت آمیز هر تجمع مخالف دولت. توقیف ها و دستگیری های خودسرانه دولتی مداخله خودسرانه دولتی در زندگی خصوصی افراد و در امور خانوادگی، اقامتگاه، و مکاتبات و ارتباطات مخالفین سیاسی و کنترل پلیسی شبکه ارتباطی مخالفین سیاسی با فامیل، بستگان و دوستان خود. ممانعت از ورود مخالفین سیاسی خارج کشور محدودیت در اشتغال و سفر برای مخالفین سیاسی وادار کردن افراد به شرکت در تجمعات و برنامه های سیاسی مذهبی دولتی محروم کردن افراد از حق کاندید شدن در اداره امور سیاسی قضایی اجرایی کشور و به تبع آن محروم کردن جامعه از حق مشارکت آزادانه در انتخابات و رای دادن به نمایندگان واقعی خود.

ایجاد محدودیت در پوشش زنان و مردان محروم کردن جامعه از حق

ایجاد وسیعترین تبعیضات و بی حقوقی ها نسبت به مهاجرین و پناهندگی غیر ایرانی علی الخصوص مهاجرین و پناهندگان

ایجاد محدودیت در پوشش زنان و مردان محروم کردن جامعه از حق

شرکت آزادانه در فعالیتهای هنری فرهنگی اجتماعی مورد نظر خود. ایجاد محدودیتهای سیاسی و مذهبی در انتشار آثار هنری فرهنگی وابستگی کامل سیستم قضایی به دولت و رویه های سیاسی دولت. بدینگونه سیستم قضایی کشور بطور کامل در خدمت دولت و نظام سیاسی قرار گرفته و با هر مخالف سیاسی برخورد قضایی میشود. وادار کردن زندانیان به اعتراف و شهادت علیه خود از طریق شکنجه و آزارهای فیزیکی روحی و روانی. محرومیت مجرمین و زندانیان به ویژه زندانیان سیاسی از حقوق و تضمین های اولیه انسانی از جمله تفهیم اتهام حق داشتن وکیل و حق دفاع آزادانه و امن از خود در مقابل اتهامات.

محرومیت کل جامعه از برقراری يك ساختار سیاسی مبتنی بر دخالت مستقیم و مستمر مردم و جایگزین کردن آن به سیستم مبتنی بر دخالت مستقیم و مستمر نیروهای نظامی و امنیتی کشور. سلب آسایش و امنیت جامعه و تحمیل يك جنگ بیهوده هشت ساله به مردم که در اثر آن میلیونها نفر کشته و زخمی و اسیر شده و در اثر آن سلامت جسمی، روحی و روانی شان به خطر افتاده است.

اقدام برای تولید سلاحهای هسته ای به قصد امتیاز گیری و بهره برداری سیاسی و به خطر انداختن صلح و امنیت جهانی.

اینها تنها گوشه ای از دریای بیکران اتهامات سران جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی

اینها تنها گوشه ای از دریای بیکران اتهامات سران جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی

میلیونها نفر شاکي دارد. در مقابل هر يك از این جرایم و اتهامات ذکر شده کوهی از اسناد ومدارك مستدل جود دارد و هزاران شاکي فی الحال موجود حاضرند در خصوص این اتهامات شکایتهای شخصی ارائه دهند.

جمهوری اسلامی با تحمیل خشونت آمیز نظامی امنیتی، يك بربریت تمام و در مغایر با کلیه تعهدات حقوق بشری به جامعه تحمیل کرده است. سران جمهوری اسلامی متهم اند که در طی سه دهه با استفاده از خشونت آمیزترین اشکال سرکوب و نیروی قهریه نظامی يك جنایت عظیم و سیستماتیک و برنامه ریزی شده ای را علیه بشریت سازمان داده اند. امروز کوژکترین پایبندی به عدالت جهانی می طلبد که کلیه کسانی که در ایجاد چنین توحشی دست داشته اند به ميز محاکمه کشیده شوند.

نوبت محاکمه سران جمهوری اسلامی در سیزدهمین سالگرد تصویب معاهده روم و در سالگرد روز جهانی عدالت جزایی فرا رسیده است. امسال باید سال محاکمه سران جمهوری اسلامی و در راس آنان خامنه ای بعنوان نماد اصلی حکومت باشد.

با احترام منتظر اقدامات فوری مقامات دادستانی میباشم.

از طرف

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیسیون پیگیری شکایت
علیه جمهوری اسلامی در
دادگاه بین المللی جنایی لاهه
کمیته بین المللی علیه سنگسار
فرشاد حسینی
farshadhoseini@yahoo.com

که رژیم در حال سقوط اسلامی بیش از این قتل و کشتار کند.

سرنگون باد
رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد جنبش علیه اعدام
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۳۰ تیر ۹۰
۲۱ ژوئیه ۲۰۱۱

تروریست و ... " در راستای فضای سرکوب، رعب و وحشت و برای بقای حکومتی است که در بحران و بن بستى لاعلاج گرفتار آمده است.

اعدام هر انسانی تحت هر عنوان و نامی، قتل عمد دولتی است و باید شدیداً آزا محکوم کرد. حکومت اسلامی ۳۰ سال است که با قتل و کشتار دولتی سرپا مانده است و مردم آگاه کردستان در مقابل این کشتار و خونریزی ساکت نخواهند بود.

جمهوری اسلامی قصد دارد ...

از صفحه ۱

نفر از افراد مذهبی وابسته به سلفی ها از سوی جمهوری اسلامی برای زهر چشم گرفتن از مردم، انتخابی حساب شده از سوی قاتلان و آدمکشان این رژیم است. مردم کردستان آگاه تر از آن هستند که با بی تفاوتی به این ترفندها نگاه کنند. مردم میدانند که اعدامهای انجام گرفته از سوی رژیم اسلامی تحت عنوان "قاچاقچی، متجاوز،

در شهرک ها و روستاهای نواحی مرزی عراق، تحمیل آوارگی بر آنان و قلدري نظامی هفته های اخیر هم در همین راستا است.

جمهوری اسلامی خوب می داند که مردم آزادیخواه کردستان هیچگاه برای جریانات مذهبی، حکومت اسلامی و هر پدیده مذهبی دیگری روی خوش نشان نداده و پیشیزی ارزش قابل نبوده اند. انتخاب شش

جمع آوری آنتن‌های ماهواره در سندج

نیروهای امنیتی و انتظامی در چند روز اخیر در سطح شهر سندج اقدام به جمع آوری دیش‌های ماهواره‌ای کرده‌اند. به گزارش شاهدان عینی نیروهای انتظامی بدون اطلاع ساکنین واحدهای مسکونی در محله‌های بهاران، ویلا شهر، شهرک زاگرس، شهرک آبیدر، مجتمع ۷۶۰ واحدی فرهنگیان و معلمان در بهاران شهرک پاوان و در بیشتر مناطق و محلات سندج اقدام به جمع آوری دیش‌های ماهواره کرده‌اند.

این نیروها بدون اطلاع صاحبخانه با استفاده از جرثقیل‌هایی نیروهای خود را بر پشت بامها مستقر کرده و اقدام به جمع آوری آنتن‌های ماهواره می‌نمایند. همچنین برای پیشگیری از اعتراضات احتمالی در تاریکی هوا و با عدم جلب توجه اقدام به جمع آوری آنتن‌ها نمودند.*

انفجاری پر قدرت در شهر سندج

ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه روز یکشنبه در شهر سندج انفجاری پر قدرت صورت گرفت. بنا خبر این انفجار از طریق بومی صوتی بوده است که در درون یک اتوموبیل از نوع مینی بوس جا سازی شده بود انفجار در خیابان ناصر خسرو بوده و هیچ گونه ضرر و زبانی بدنبال نداشته است

منابع خبری دیگری گفته‌اند که بمب صوتی را در یک سطل آشغال قرار داده بودند تا به هنگام عبور مینی بوس حامل نیروهای رژیم منفجر شد.*

انفجار مین در سردشت

انفجار مین در بیوران از توابع شهرستان سردشت باعث کشته شدن یک نفر شد.

به نقل از منابع محلی، این شخص که حسن امین پور نام دارد روز جمعه ۳۱ تیرماه جهت استراحت و تفریح به منطقه بیوران

در اطراف سردشت رفته بود که بر اثر انفجار مین زخمی و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. انفجار مین و مواد منفجره به جای ماندن از جنگ در مناطق مرزی کردستان، تاکنون منجر به زخمی و کشته شدن صدها نفر شده است.*

مرگ یک زندانی سیاسی در زندان ارومیه

بعد از ظهر روز یکشنبه دوم مردادماه یک زندانی سیاسی اهل بوکان، در بهداری زندان مرکزی ارومیه بر اثر بیماری جان باخت. ناصر خانی زاده اهل بوکان که اخیراً از زندان بوکان جهت معالجه به ارومیه منتقل شده بود در بهداری زندان ارومیه درگذشت. ناصر خانی زاده که از بیماری دستگاه گوارش به شدت رنج می برد از طرف دادگاه انقلاب به اتهام همکاری با یکی از احزاب مخالف به ۱۸ ماه حبس محکوم شده بود.*

از صفحه ۱ در محکومیت سیاستهای ...

اند. طبق گزارشات مختلف بر اثر درگیری بین پژاک و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی تا کنون دهها نفر از طرفین کشته و تعداد بیشتری زخمی شده‌اند.

علاوه بر این جمهوری اسلامی با بستن چند رودخانه و ممانعت از رسیدن آب به مردم مناطق مرزی کردستان عراق باعث ضرر و زیان زیادی به مردم زحمتکش این مناطق شده است که با عکس العمل اعتراضی آنها مواجه شده است. مردم دربندیخان در اعتراض به این اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی، جاده اصلی ورود به داخل خاک عراق را بسته‌اند.

اقدام دیگر حکومت اسلامی ایران این است که فرماندهان سپاه حمزه و مقامات محلی رژیم در کردستان ایران از احزاب حاکم بر کردستان عراق خواسته‌اند که اپوزیسیون مسلح جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق را خلع سلاح کنند. گفته شده است مذاکراتی برای عملی کردن این

ما اقدامات سرکوبگرانه و ضدانسانی جمهوری اسلامی علیه مردم عراق و سیاست جنگ افزورانه آنرا بشدت محکوم میکنیم و از همه مردم دعوت میکنیم ضمن اعتراض به این جنایات، مبارزه برای سرنگونی این حکومت را گسترش دهند. جمهوری اسلامی در بحرانی لاعلاج به سر میبرد، باید با تمام قوا برای سرنگونی آن بپاخواست. در عین حال اعلام میکنیم که هر نوع نظامی گری از سوی هر نیرو و جریانی به زیان مبارزه آزادیخواهانه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوده و فضا را برای سرکوب و جنایت توسط حکومت اسلامی بیشتر فراهم میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت
کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ تیرماه ۱۳۹۰
۲۰ ژوئیه ۲۰۱۱

راهپیمایی و تجمع اعتراضی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در اربیل و میدان آزادی سلیمانیه

برود و از نزدیک وضعیت آنان را در جهت تدارک هر گونه کمکی از سوی این کمپین بررسی کند. این در حالی است که تمام این تلاشها از سوی حکومت محلی با کارشکنی و ممانعت روبرو می شود.

این دومین راهپیمایی در شهر اربیل عراق است. روز دوشنبه ۲۵ ژوئیه نیز جمعیتی در اعتراض به آواره نمودن مردم مناطق مرزی توسط حمله رژیم اسلامی در اربیل، تجمعی اعتراضی برپا کردند. روز شنبه ۲۳ ژوئیه نیز در میدان آزادی شهر سلیمانیه کمپینی تحت عنوان (نه به لشکر کشی اشغالگران) از سوی جمعیتها، شخصیتهای سیاسی و دیگر سازمانها در اعتراض به رژیم جمهوری اسلامی برگزار شده بود.

نکته جالب توجه در این سه حرکت اعتراضی این است که نیروهای امنیتی حکومت محلی مانع از تجمع اعتراضی مردم شده‌اند. در سلیمانیه چهار نفر از فعالین و سازماندهندگان حرکت اعتراضی روز شنبه را دستگیر و تا پایان تجمع در بازداشت خود نگه داشتند. نزار محمد یکی از سازماندهندگان این حرکت اظهار داشت که هدف ما این است که افکار عمومی را از اعمال رژیم اسلامی علیه ساکنین نوار مرزی مطلع کنیم تا از این طریق حکومت محلی کردستان ناچار شود بطور جدی به جمهوری اسلامی شدیداً اعتراض کند. او گفت اما متأسفانه نیروهای حکومت محلی دوستان ما را که در راه اندازی این حرکت فعال و دست اندرکار بودند برای مدت یک ساعت در بازداشت نگه داشتند و وسایل آنان از جمله دوربین و دیگر تجهیزات مورد استفاده در این حرکت را مصادره کرده و با خود بردند. او همچنین گفت که در روزهای آینده این کمپین اقداماتی را مبنی بر جمع آوری کمک و دیگر امکانات برای آوردن حملات رژیم اسلامی به مردم مناطق مرزی انجام خواهد داد.*

بنا به اخبار منتشر شده روز سه شنبه ۲۶ ژوئیه ساعت ۱۲ ظهر در شهر اربیل کردستان عراق یک راهپیمایی در اعتراض به توپباران مناطق مرزی کردستان عراق برگزار شد. شعار اصلی این راهپیمایی (ایران ایست، توپ باران را متوقف کن) بود و اعتراض خود علیه رژیم اسلامی را نشان دادند. تجمع کنندگان در مقابل کنسولگری رژیم در اربیل لحظات زیادی منتظر پاسخ مسئولین کنسولگری شدند و آنان نیز به بهانه اینکه اوضاع امنیتی مناسب نیست از حضور در میان شرکت کنندگان خودداری کردند. سه نفر از نمایندگان این تجمع برای مذاکره و گفتگو وارد ساختمان کنسولگری شدند و قطعنامه تجمع اعتراضی را به مسئول کنسولگری دادند. لنجه عبدالله به نمایندگی از طرف راهپیمایان که با مسئول کنسولگری گفتگو کرده بود اظهار داشت که مسئول کنسولگری در پاسخ به قطعنامه ما گفته است که ما از توپ باران منطقه تحت حاکمیت اقلیم کردستان مطلع هستیم اما سال گذشته حکومت جمهوری اسلامی طی توافق نامه ای با حکومت عراق، این اختیار را دارد که هر زمانی که پژاک در منطقه دست به فعالیت بزند، جمهوری اسلامی حق دارد با بکار گیری نیروی نظامی به حضور آنها پاسخ دهد. لنجه عبدالله گفت که ما از آنها خواسته ایم که بفوریت باید پاسخ قطعنامه این راهپیمایی از سوی آنها داده شود و ۷۲ ساعت ضرب الاجل تعیین کرده ایم و در صورت عدم پاسخ روشن از سوی کنسولگری، ما به اعتراض و راهپیمایی خود در مقابل کنسولگری ادامه خواهیم داد.

کمپین (ایران ایست) در چند هفته اخیر از چندین سازمان و نهاد اجتماعی تشکیل شده است. این کمپین علاوه بر تجمع، اعتراض و راهپیمایی در محکوم کردن توپ باران مناطق مرزی در خاک عراق، قصد دارد به محل اسکان آواره گان

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!